



مهن ممدپور

۱۳۴۲

بررسی حزب توده

# علیه توده به نام توده

اشاره

شناخت حزب توده به عنوان یک حزب وابسته کمونیست و در عین حال بزرگترین تشکل سیاسی فراگیر ایران، و نیز گروهک‌های چپ‌گرا که در طول ظهور و سقوط خود در مقابل نهضت اسلامی مردم و انقلاب اسلامی، برخی با چهره منافقانه و برخی بدون نقاب ایستادگی کردند، در واقع مطالعه و شناخت بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود؛ چرا که این حزب در دورانی خاص، نقشی فعال در حوادث و مسائل ایران داشته است.



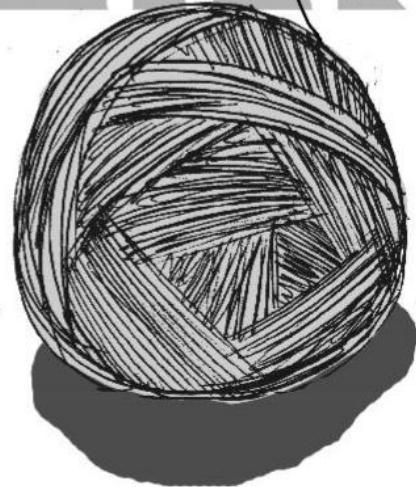
MARXIST

شکل‌گیری حزب توده

(شهریور ۱۳۲۰ - مهر ۱۳۲۱)

حزب توده، پس از کناره‌گیری رضاشاه و آزادی زندانیان سیاسی «کم‌خطر»، شکل گرفت. بیست و هفت نفر از اعضای جوان «پنجاه و سه نفر» مارکسیست زندانی شده در سال ۱۳۱۶، با گردهمایی در تهران، تشکیل یک سازمان سیاسی با عنوان بلندپروازانه «حزب توده» ایران را در هفتم مهر ماه - سیزده روز پس از استعفای رضاشاه - اعلام کردند.<sup>۱</sup> بنیان‌گذاران این حزب، در ابتدا سلیمان میرزا اسکندری را که شاهزاده‌ای زادیکال و به دلیل شرکت در انقلاب مشروطیت، مورد احترام بود، به ریاست انتخاب کردند.

چهار هدف اولیه حزب توده در بدو تأسیس عبارت بود از: آزادی بقیه پنجاه و سه نفر؛ رسمیت بخشیدن به حزب توده؛ انتشار یک روزنامه





MARKSIST

و تدوین برنامه وسیعی که برخلاف برنامه‌های غیر مذهبی گذشته، با روحانیت به مخالفت برخیزد و مارکسیست‌های جوان و حتی رادیکال‌های غیرمارکسیست را جذب کند.<sup>۱</sup> این اهداف طی شش ماه تحقق یافت و حزب توده برنامه موقتی خود را منتشر کرد. هنگامی که دولت، در اواسط مهرماه، همه مخالفان زندانی شده در دوره رضاشاه را عفو کرد، باقی مانده «پنجاه و سه نفر» هم آزاد شدند.

انتشار برنامه موقتی حزب توده در اوایل اسفند بود. در این برنامه بر لزوم محور آثار دیکتاتوری رضاشاه، حراست از قانون اساسی آزادی‌های مدنی و حقوقی انسانی، حمایت از حقوق همه شهروندان به ویژه حقوق توده‌ها، و همیاری در مبارزه جهان دموکراسی علیه وحشی‌گری فاشیسم، تأکید شده بود.<sup>۲</sup>

در خصوص علت نامگذاری این حزب به عنوان حزب توده، به چند عامل می‌توان اشاره کرد. گرچه بنیان‌گذاران حزب توده مارکسیست بودند، اما خودشان را مارکسیست نمی‌خواندند؛ زیرا از یک سو جامعه ایران جامعه‌ای مذهبی بود و ایدئولوژی مارکسیسم که از آغاز به عنوان یک ایدئولوژی ضددینی در جامعه ایران شناخته شده بود، به صورت عریان نمی‌توانست قابل قبول و موفق باشد. از سوی دیگر حزب توده با هدف باز کردن درهای خود به روی تمامی طبقات به دلیل کوچکی طبقه کارگر صنعتی در ایران، مناسب‌تر آن می‌دید که از نام‌هایی استفاده کند که فاقد هرگونه دلالت طبقاتی باشد و علت سومی که می‌توان برای این نامگذاری

برشمرد، قانون ممنوعیت فعالیت‌های اشتراکی مصوب سال ۱۳۱۰ بود.

حزب توده پس از تدوین برنامه موقت، مشغول سازماندهی شد و کار را از تهران آغاز کرد. این حزب، در مهرماه ۱۳۲۱، برای برگزاری نخستین کنفرانس موقتی خود آماده بود. در این گردهمایی ۳۳ ناظر از استان‌ها و ۸۷ نماینده از تهران حضور داشتند.<sup>۳</sup> هر یک از این ۸۷ نفر نماینده ده عضو بودند. به گفته یکی از رهبران حزب، در آن هنگام، حزب توده در سراسر کشور شش هزار عضو داشت.

پس از نخستین کنفرانس در تهران، حزب توده در استان‌های دیگر به ویژه شهرهای شمالی و کارخانه‌های نساجی اصفهان، گسترش یافت. در انتخابات مجلس چهاردهم، حزب توده بیست و سه نامزد انتخاباتی داشت. هشت نفر در تهران، پنج نفر در آذربایجان، دو نفر در مازندران، دو نفر در گیلان، دو نفر در خراسان، دو نفر در اصفهان و دو نفر نیز برای دو کرسی اقلیت ارامنه نامزد شده بودند.

رشد و گسترش حزب توده پس از انتخابات نیز همچنان ادامه یافت که مهم‌ترین موفقیت حزب توده در سازماندهی کارگران بود.

گسترش سریع حزب توده در سال‌های ۱۳۲۳ - ۱۳۲۴ را می‌توان با توصیف رشد غیر منتظره سازمان‌های محلی حزب در تهران، شیراز، یزد و استان نفت‌خیز خوزستان نشان داد. در قیام تاریخی سی‌ام تیر سال ۱۳۳۱ نیز حزب توده که از قدرت زیادی برخوردار بود، توانست کم و بیش نقش مؤثری ایفا کند. پس از کودتای ۲۸ مرداد، حزب فعالیت خود را محدود کرد و طی بازداشت‌های دسته‌جمعی بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۷ تعداد زیادی از اعضای حزب دستگیر شدند و بدین ترتیب از آن پس حزب توده در حاشیه سیاست ایران قرار گرفت.

حزب توده در طی دوره پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی، عملاً

به صورت حزبی مخفی با فعالیت اندک درآمد. پس از انقلاب اسلامی نیز حزب توده کوشید تا خود را همسو با انقلاب و جمهوری اسلامی نشان دهد. بخشی از بدنه حزب توده که به جناح خط امام حزب توده شهرت یافتند، با

این فرض که مبارزه جمهوری اسلامی با آمریکا به عنوان امپریالیسم در راستای اهداف آنها قرار دارد، به حمایت پرداختند تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۶۲ حزب توده رسماً منحل شد.

حزب توده بدون شک بزرگ‌ترین حزب در تاریخ معاصر ایران بوده که با برخورداری از توان بسیج بالا - عمدتاً در میان طبقات متوسط و کارگران - می‌توانسته است نقشی تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران داشته باشد. حال، اینکه چرا حزب در برخورد با مسائل و حوادث پیش روی خود دچار اضمحلال شد، یکی

به حساسیت رژیم پهلوی با فعالیت‌های کمونیستی برمی‌گردد، دیگر اینکه حزب توده علی‌رغم اینکه حزبی گسترده و وسیع بود، نتوانست بدنه مذهبی جامعه را جلب کند. به علاوه حزب توده در برخورد با مسائل مختلف، گرایش خود به اتحاد جماهیر شوروی (سابق) را نشان داد. این عوامل باعث انشعاب و گسست‌هایی در درون حزب توده شد و مخالفان را از درون حزب پروراند.

● بنیان‌گذاران این حزب، در ابتدا سلیمان میرزا اسکندری را که شاهزاده‌ای رادیکال و به دلیل شرکت در انقلاب مشروطیت، مورد احترام بود، به ریاست انتخاب کردند.

● حزب توده در اوایل اسفند برنامه موقتی خود را منتشر کرد. در این برنامه بر لزوم محور «آثار دیکتاتوری رضاشاه»، حراست از قانون اساسی، آزادی‌های مدنی و حقوقی انسانی، حمایت از حقوق همه شهروندان به ویژه حقوق توده‌ها، و همیاری در مبارزه جهان دموکراسی علیه وحشی‌گری فاشیسم، تأکید شده بود.

منابع:

۱. تحولات سیاسی - اجتماعی ایران ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷، مجتبی مقصدی، تهران، روزنه، ۱۳۸۰.
۲. ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، پروانسد، آبراهامیان، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ایرج اسکندری، زندگی من، ایران ما، ۱۴ مرداد ۱۳۲۵.
۲. پروانسد آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی.

